

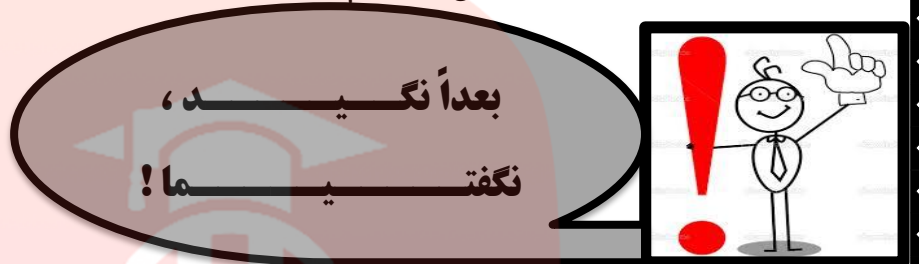
درس نامه ی درس اول : زنگ آفرینش

دانش زبانی و ادبی *****

تعریف جمله

به کلمه یا مجموعه ای از کلمه ها می گویند که دارای معنی کامل باشند و پیامی را از گوینده به شنونده یا از نویسنده به خواننده برساند .

مانند : ایرانیان ، خدمات بسیار شایانی به اسلام کرده اند .



بعداً نگیـد ،

نگفتـی ما!

۱. مهم ترین جزء جمله فعل است .

۲. گاهی یک فعل ، به تنهایی یک جمله به حساب می آید .

۳. در شمارش تعداد جمله ، با جمله هایی رو به رو می شویم که بدون فعل هستند ، یعنی فعل در آنها حذف شده است .

مانند : مرد پرسید : « خرگوش را کجا میبری ؟ » یا سخ داد : « به شهر »

۴

۳

۲

۱

حذف فعل و انواع آن

۱. حذف به قرینه ی لفظی : فعل یک بار در جمله می آید و بار دوم تکرار نمی شود .

مانند : چه کسی در را باز کرد ؟ مادر . (باز کرد) حذف به قرینه ی لفظی

۲. حذف به قرینه ی معنوی : فعل اصلاً در جمله نمی آید و ما از روی معنی و مفهوم به فعل حذف شده پی

می بریم .

(است)

برفش بیش تر

(است)

مانند : هر که بامش بیش

راه شناخت تعداد جمله

(۱) فعل های موجود در بیت یا عبارت ، یک جمله به حساب می آیند .

(۲) فعل های حذف شده ، جزء جمله محسوب می شوند .

(۳) شبه جمله ها (ندا و منادا ، اصوات) یک جمله به حساب می آیند .

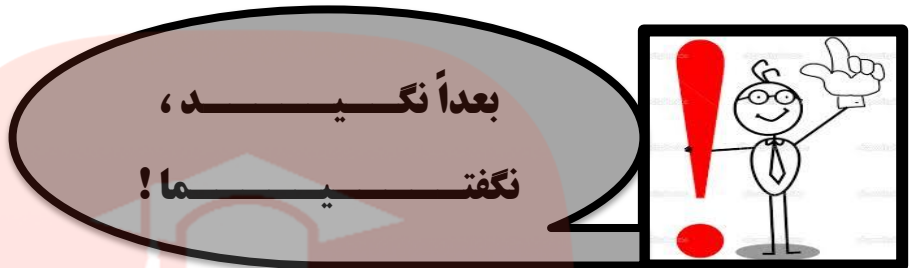
❖ شبه جمله

به عبارت هایی که بدون فعل معنی کاملی می دهند ، شبه جمله می گویند .

شبه جمله ها
۱- ندا و منادا
۲- اصوات

۱- منادا و منادا : به کلمه ای (اسمی) که مورد خطاب قرار می گیرد منادا می گویند و به حروفی که قبل از منادا است حرف ندا می گویند . مانند : ای خدا ! این وصل را هجران مکن .

حرف ندا منادا



۱. نشانه های ندا ، عبارتند از (ای - یا - ایها - الا - ا ← در آخر منادا و ...)

۲. گاهی نشانه های ندا از جمله حذف می شود .

مثال ۱: کاش روزی به کام خود برسید / بچه ها ! آرزوی من این است . ای بچه ها

مثال ۲: دست در دامن مولا زد در / که علی ، بگذر و از ما مگذر ای علی

۳. منادا یک جمله به حساب می آید .

۲- اصوات (جمع صوت) : گاهی برای حالت هایی مانند آرزو ، اندوه ، شادی از کلمه هایی استفاده می شود .

(ا) تعجب و شگفتی : شگفتا - عجا - به - عجب و ...

(ب) تحسین : آفرین - احسنت - خوشا - به به - بارک ا... - ماشاء... و ...

(ج) غم و افسوس : آه - افسوس - دریغ - دریغا - حیف - دردا - آخ - وای - حسرتا - وه و ...

(د) آگاه کردن و هشدار دادن : زنهار - مبادا - الا - هان - هین - سلام - خداحافظ - بله - خیر - نه و ...

(ه) آرزو و تمنا : کاش - کاشکی

آیا می دانستید:



۱. اگر پس از فعل جمله (و — واو) و (یا) قرار بگیرد ، پس از آن هر کلمه ای باشد به تنهایی خود یک

جمله محسوب می شود .

مثال ۱: این خبر را من بدهم یا تو؟ می دهی (فعل حذف شده)

مثال ۲: برو کارگر باش و امیدوار؟ باش (فعل حذف شده)

۲. کلماتی مانند رفتن، دیدن، شنیدن و ... مصدر هستند و در شمارش جمله به حساب نمی آیند.

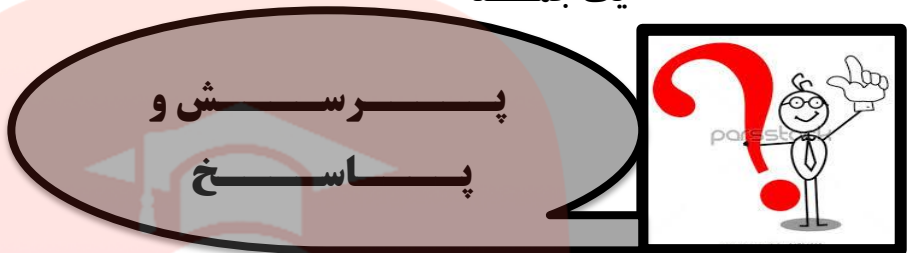
مانند: اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق، روشنایی افزایش اندر دل.

اندیشه کردن مصدر است برای همین جمله حساب نمی شود.

۳. کلماتی مانند رفت و آمد، گفت و شنود، دید و بازدید، خرید و فروش و ... فعل حساب نمی شوند.

مانند: رفت و آمد ماشین ها در این جا بسیار زیاد است.

یک جمله



۱- آیات و عبارات زیر از چند جمله تشکیل شده اند.

- ای حلال مشکلات پنهان، ما را محتاج دست های درد ناشناس مکن.
- برای فراگرفتن و فهمیدن و به ویژه برای کشف کردن، سری به طبیعت روستا زدم.
- کجا می روی؟ ای مسافر، درنگی بپر با خودت، پاره ی دیگری را
- حکیمی پسران را پند همی داد که جانان پدر! هنر آموزید که ملک و دولت دنیا اعتماد را نشاید و سیم و زر در سفر به محل خطر است یا دزد به یک بار ببرد یا خواجه به تفاریق بخورد.
- هم قصه ی نانموده، دانی هم نامه ی نانوشته خوانی

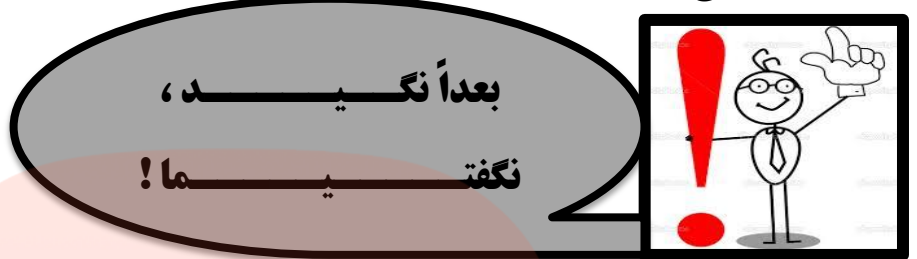
آرایه ها

❖ آرایه ی تشخیصی

(جان بخشی به اشیا ، آدم نمایی ، جان دار پنداری ، شخصیت بخشی)

وقتی صفت و حالت انسانی به غیر انسان نسبت داده شود آرایه ی تشخیصی به کار رفته است .

مانند : زنگ تفریح را که زنجره زد / باز هم در کلاس غوغا شد



۱. هر گاه بعد از نشانه ی ندا (ای) غیر انسان قرار گیرد ، اغلب آرایه ی تشخیصی به وجود می آید .

مانند : امشب ای ماه به درد دل من تسکینی

در این مصرع (ای ماه) آرایه ی تشخیصی است ، چون ماه غیر انسان است و مورد خطاب قرار گرفته است یعنی ما با ماه در حال صحبت کردن هستیم .

۲. خیلی افراد جان بخشیدن به اشیا را نیز نوعی آرایه به حساب می آورند که نباید آن را با تشخیص یکی دانست .

مثلاً وقتی می گوئیم ، (کتاب راه می رود) این جان بخشی است . ولی زمانی که گفته می شود ، (کتاب حرف می زند) این تشخیصی است چون راه رفتن مختص انسان نیست بلکه جانداران دیگر نیز می توانند راه بروند ولی حرف زدن مخصوص انسان است .

❖ آرایه ی کنایه

کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است ، اما وقتی در مورد مطلبی به طور غیر مستقیم صحبت می کنیم ، به آن کنایه می گویند .

کنایه (۱- معنی نزدیک ، ۲- معنی دور) دارد که منظور ما معنی دور آن می باشد .

ز ک ت ه : بیش تر کنایه ها ، ریشه ی فعلی دارند .

مانند : دست روی دست گذاشتن ← کنایه از بیکار نشستن

آستین بالا زدن ← کنایه از آماده شدن

❖ واج آرایه ی (نغمه ی حروف)

در این نوع آرایه ی ادبی یک حرف یا صدا چند بار در جمله تکرار می گردد و این تکرار شدن باعث خوش

آهنگ تر شدن عبارت می شود .

مانند : بچه ها گرم گفت و گو بودند

تکرار حرف (گ و ب)

باز هم در کلاس غوغا بود

پرسش و
پاسخ



۱- در ابیات زیر ، آرایه ی تشخیص و جان بخشی را پیدا کنید .

- صبحدم از عرش می آمد خروشی ، عقل گفت : قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می کنند
- خود را به دهان خشک زمین و صدها کشتزار سوخته و نگاه های پژمرده ی هزاران درخت تشنه برساند .
- یکی قطره باران ز ابری چکید
خجل شد چو پهنای دریا بدید
- به احساسات خاموش اما سرشار از پاکی و صفای این طبیعت و سبزه های معصوم پاسخ می گفتم
- ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد
چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

۲- در ابیات و عبارات زیر آرایه ی کنایه و واج آرایی (نغمه ی حروف) را پیدا کنید .

- سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند
همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند
- پدر را گفتم : از اینان یکی سر بر نمی دارد که دوگانه ای بگزارد .
- خیزید و خز آرید که هنگام خزان است
باد خنک از جانب خوارزم وزان است
- گفت : « جان پدر ! تو نیز اگر بختی ، به از آن که در پوستین خلق افتی . »
- من مانده ام مهجور از او ، دل خسته و رنجور از او
گویی که نیشی دور از او ، در استخوانم می رود
- هر یکی برگ کوچکی در دست
باز انگار زنگ انشا بود .

قالب چهار پاره

این قالب همزمان با قالب شعر نو رواج پیدا کرده و بعد از دوره ی مشروطیت .

چهار پاره از دو بیتی هایی با معنای منسجم تشکیل شده با این تفاوت که برخلاف دوبیتی ، معمولاً مصراع های اول با مصراع های دوم و چهارم هم قافیه نیست و از لحاظ وزن کافی است که مصراع ها هم وزن باشند .

معروف ترین شاعرانی که شعر در قالب چهارپاره سروده اند : فریدون مشیری ، مهدی سهیلی ، پرویز خانلری ، فریدون توکلی را می توان نام برد .

ز ک ق ه : چهار پاره مرکب از چند دوبیتی است که در هر دوبیتی مصراع های دوم و چهارم هم قافیه هستند و همه ی دوبیتی ها دارای مضمون واحدی هستند .

■	_____	_____
■	_____	_____
●	_____	_____
●	_____	_____
▲	_____	_____
▲	_____	_____



طرح گرافیکی قالب چهار پاره

نکته املائی



۱. تشخیص شکل صحیح حروف و درست نویسی از اهداف املاست . در هنگام نوشتن املا از به کار بردن واژه های هم آوا به جای یکدیگر پرهیز شود .

مانند : خان / خوان حیات / حیاط خُرد / خورد

توجه شود این کلمات هم آوا به جای یکدیگر در نوشتن به کار برده نشود .

۲. با مراجعه به حروف الفبای فارسی ، به حروفی برمی خوریم که چند شکلی هستند . واژه هایی که یکی از این حروف چند شکلی در آن ها به کار رفته باشد جزو کلمات دارای ارزش املائی هستند .

حروف دارای ارزش املائی عبارتند از : (ت ت ، ط) (ث ث ، س س ، ص ص) (ح ، ه ه ه) (ذ ، ز ، ظ ، ض ض) (ق ق ، غ غ ، ف ف ، غ غ)

پرسش و پاسخ



۱- واژه های صحیح را با توجه به معنی جمله در جای خالی قرار دهید .

- مسلمانان دو ماه محرم و را گرامی می دارند . (سفر - صفر)
- هیچ کس او را نمی شناسد ؛ او در این جا است (قریب - غریب)
- زنبور بی عسل به چه ماند ، به عالم بی (امل - عمل)

م - ح - ر - ز - ت - ی

۲- با حروف زیر چهار کلمه بنویسید که دارای ارزش املائی باشند .

مهارت های نوشتاری

❖ نقشه ی نوشتن

دانش آموز عزیز ، هر کس قصد نوشتن داشته باشد پیش از نوشتن باید مراحل را طی کند . نویسندگی شبیه یک سفر است ؛ یک سفری واقعی و گاه خیالی ؛ یک سفر خاطر انگیز و پر ماجرا . در سفری که برای آموزش نویسندگی شروع میکنیم ، باید بتوانیم نقشه ای برای نوشتن ترسیم کنیم و وسایل و ابزار مورد نیاز را فراهم کنیم . مانند یک مهندس معمار که ابتدا نقشه ی ساختمان را می کشد . معمولاً تصور می کنیم ، نوشتن با نگارش کلمات روی صفحه ی کاغذ شروع می شود ؛ در حالی که هر نوشته ، قبل از اینکه روی کاغذ بیاید ، در ذهن نویسنده طبقه بندی و نوشته می شود یعنی ابتدا نقشه ی نوشتن در «ذهن» کشیده می شود و در پایان بر روی صفحه ی دفتر نوشته می شود .

نقشه ی نوشتن ← مبدأ (ذهن) و مقصد (صفحه ی دفتر)

اکنون باید مسیر ذهن تا صفحه ی دفتر را مشخص کنیم ، طبقه بندی ذهن ، گام اول در تهیه ی نقشه ی سفر نوشتن است .

در زیر ، مسیر حرکت و مراحل سفر نوشتن را می بینیم .

.....	موضوع
.....	مقدمه
.....	تنه / بدنه بندهای میانی
.....	نتیجه

با توجه به نمایه ی بالا که ساختمان و طبقه بندی اولیه ی ذهن و نوشته را نشان می دهد ، می فهمیم یکی از راه های نظم دادن به ذهن و نوشته ، طراحی ساختمان نوشته است .

توجه ۱: در دفتر نگارش در مورد هر کدام از موارد ساختمان بالا به صورت مفصل آموزش و تمرین داده می شود .

مای دارس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

پرسش و پاسخ



نوشته ی زیر را بخوانید و ساختمان آن را مشخص کنید .

کوچ پرستوها

پرستوها بهار و تابستان را به آسودگی به سر می برند ؛ اما در آغاز پاییز دشواری هایی برای آنها پیش می آید . در آن هنگام هوا رو به سردی می رود و حشرات کمیاب می شوند . به ناچار ، پرستوها لانه ی خود را ترک کرده و به جاهای معتدل تری کوچ می کنند . در کوچ پرستوها خطرهای بسیاری وجود دارد . یکی از این خطرها ، تغییرات هواست . خطر دیگر ، حمله ی پرندگان شکاری مانند عقاب، شاهین و قرقی است .

کوچ پرستوها یکی از شگفتی های دنیایی است که ما در آن زندگی می کنیم . این پرنده های کوچک ، مسیر طولانی را پرواز می کنند و حدود شش ماه در مناطق گرم تر زندگی می کنند . پس از سپری شدن زمان دراز و راهی طولانی ، بدون آنکه اشتباه کنند ، دوباره به لانه ی پیشین خود باز می گردند .

با دیدن شگفتی کوچ پرستوها ، لانه سازی آن ها بدون اینکه کسی به آنها یاد داده باشد و پیدا کردن مکان زندگی خودشان بدون اینکه اشتباه کنند به عظمت و بزرگی خداوند پی می بریم .

درس ت نویسی

www.my-dars.ir

به دو جمله ی زیر دقت کنید :

الف) چشمش که به پنجره افتاد ، غصه اش گرفت .

ب) چشمش که به پنجره افتاد ، غصش گرفت .

جمله ی (الف) درست است . در نگارش رسمی به کار گیری کلمات شکسته ، کوتاه شده و گفتاری ، مناسب

نیست . مگر در گفت و گوهای میان اشخاص داستان یا نمایشنامه

تمرین

جمله های زیر را ویرایش کنید .

▪ هر کی وارد می شه ، می پرسه چه خبره ؟

▪ تا خودت را تغییر ندی ، نمی تونی سبب تغییر دیگران بشی.

نکته های حکایت اندرز

پدر



- همان طور که می دانیم در این حکایت ، آرایه ی کنایه و باز نویسی این حکایت به عهده ی دانش آموزان می باشد که در دفتر نگارش ، باز نویسی شود .
- در جمله های فارسی ، «را» معمولاً نشانه ی مفعول است .
مانند : زنگ تفریح را که زنجره زد
باز هم در کلاس غوغا شد
اکنون به این جمله ها دقت کنید :

به : پدر را گفتم : از اینان یکی سر بر نمی دارد که دوگانه ای بگزارد . در این جمله (را) به معنی (به) و حرف اضافه است . در نوشته های کهن و در نوشتار امروزی گاهی ، (را) در جایگاه حرف اضافه به کار می رود
از : سقراط را پرسیدند : کدام درنده نیکوتر است .
برای : درویشی را ضرورتی پیش آمد .
معنی از ← معنی برای

- (را) فک اضافه ، حرفی است که بین مضاف و مضاف الیه قرار می گیرد و آن دو را پس و پیش می کند .
مثال ۱: پدر عهده دار رفع مشکلات فرزندان شد .
پدر رفع مشکلات فرزندان را عهده دار شد .
مثال ۲: دل مادر به حال فرزندکانش بسوخت .
مادر را دل به حال فرزندکانش بسوخت .
- در نوشته های امروزی (را) فک اضافه ، زیاد کاربرد ندارد و به جای آن کسره می آید .

تمرین

در عبارات زیر ، انواع (را) را مشخص کنید .

تهران را تا اینجا با قطار آمدم .

من آن نگاه های مرموز را می شناسم .

حاتم طایی را گفتند : از خود بزرگ همت تر در جهان دیده ای یا شنیده ای ؟

پای تو در راه حق سست است .

روزی چهل شتر قربانی کرده بود ، امرای عرب را